

فرهنگ سازهای معیشتی در قرآن کریم

محسن شهیدی^۱

مریم حاجی عبدالباقی^۲

سید محسن میر باقری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

چکیده

آشنایی با فرهنگ قرآنی در حوزه معیشت و انطباق نگرش و رفتار و اخلاق با آن امری ضروری و کاربردی است. مقاله پیش رو پژوهشی نظری است که به روش تحلیلی اکتشافی، درصدد کشف فرهنگ سازهای معیشتی از آیات قرآن می باشد تا با بکارگیری آنها نیل به کسب و مصرف مورد پسند قرآن میسر گردد. لذا در ابتدا مبانی و نوع نگرش قرآن به موضوع معیشت از جمله باور به رزاقیت خدا و اعتماد به وعده های الهی، آخرت گرایی و ترک دنیا پسندگی، نگرش صحیح به اموال و پذیرش سنت ابتلاء مورد بررسی قرار گرفته و سپس به دلالت های رفتاری اخلاقی در فرهنگ معیشت از منظر قرآن پرداخته می شود که هر کدام به نوعی بیانگر فرهنگ صحیح معیشت می باشند. اولویت دهی به این عوامل و یافتن ساختار موکفه های معیشتی از دستاوردهای این نوشتار می باشد.

کلیدواژه ها: قرآن، فرهنگ ساز، معیشت، فرهنگ معیشت

^۱ . گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.

مقدمه و طرح مسأله

«فرهنگ» مفهومی گسترده، پیچیده و دارای وجوه مختلف برگرفته از جریان روزمره زندگی فردی و اجتماعی انسان است و لذا توجه به این موضوع خصوصاً از منظر قرآن، الگوی تربیتی در ابعاد مختلف زندگی را برای انسان نمایان ساخته و او را با آموزه‌های قرآنی در مقوله فرهنگ آشنا می‌سازد. پس از بیان معادل‌های قرآنی مفهوم فرهنگ، آنچه در این مقاله نظری که به روش تحلیلی توصیفی نگاشته شده است حائز اهمیت می‌باشد کشف فرهنگ‌سازهای معیشتی از آیات قرآن به جهت بکارگیری در نگرش، اخلاق و رفتار روزمره در امر معاش است. مسأله نهایی این نوشتار نیز ترسیم ساختار هندسی مولفه‌های معیشتی برگرفته از آموزه‌های قرآنی است.

لذا دغدغه اصلی این پژوهش دستیابی به پاسخ سوالات زیر پس از جستجو در تمامی آیات قرآن بوده است:

- فرهنگ‌سازهای معیشتی برگرفته از قرآن کریم کدامند؟
- ساختار هندسی مولفه‌های معیشتی همراه با وزن‌دهی آیات مربوطه چگونه ترسیم می‌شود؟

پیشینه تحقیق

درخصوص پیشینه فرهنگ‌سازهای معیشتی در قرآن، مواردی به صورت پراکنده یافت می‌شود ولی پژوهش قرآنی منسجمی که فرهنگ‌سازهای معیشت را تبیین و بررسی نموده و ارتباط بین مولفه‌ها و ساختار هندسی آنها را ترسیم کند یافت نشد. در این نوشتار سعی شده تمامی نکات مربوطه از قرآن استخراج شود تا با ارجاعات قرآنی موجود ذیل هر موضوع، برای علاقمندان به بحث فرهنگ و همچنین فرهنگ معیشت در قرآن کریم منبع قابل استفاده‌ای باشد.

۱. فرهنگ‌سازهای معیشتی

فرهنگ‌سازهای معیشتی را می‌توان با کشف دلالت‌های قرآنی فرهنگ معیشت در دو بخش «دلالت‌های بینشی» و «دلالت‌های رفتاری اخلاقی» از آیات قرآن کریم به دست آورد.

۱-۱- دلالت‌های بینشی

در این بخش فرهنگ‌سازهای بینشی در حوزه معیشت از قرآن استخراج شده است که با توجه به آیات مربوطه، در جدول زیر ذکر شده‌اند و تحت چهار عنوان «باور به رزاقیت خدا و اعتماد به وعده‌های الهی»، «آخرت‌گرایی و ترک دنیاپسندگی» و «نگرش صحیح به اموال» و «پذیرش سنت ابتلاء» بیان می‌گردد:

ردیف	موضوع	تعداد تکرار در قرآن	سوره/آیه
۱	باور به رزاقیت و مالکیت خدا و اعتماد به او	۲۰۲	البقره/۳ و ۵۷ و ۶۰ و ۱۶۸ و ۱۷۲ و ۲۱۲ و ۲۴۵ و ۲۵۴ و ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۷۴ و ۲۷۷ و آل عمران/۲۷ و ۳۷ و ۱۵۳ و ۱۸۰ و النساء/۳۲ و ۳۷ و ۳۹ و ۱۳۰ و ۱۳۵ و المائدہ/۴۸ و الانعام/۱۴ و ۸۸ و التوبه/۲۸ و ۷۴ و یونس/۳۱ و ۵۹ و ۶۲ و ۸۸ و ۹۳ و هود/۶ و ۶۸ و الرعد/۴ و ۷۴ و ۷۵ و ۱۳۷ و ۱۶۰ و الانفال/۳ و التوبه/۲۸ و ۷۴ و یونس/۳۱ و ۵۹ و ۶۲ و ۸۸ و ۹۳ و هود/۶ و ۶۸ و الرعد/۴ و ۷۴ و ۷۵ و ۱۳۷ و ۱۶۰ و الحجج/۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و النحل/۵ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴ و ۵۳ و ۵۵ و ۵۶ و ۶۶ و ۶۷ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۵ و ۸۰ و ۸۱ و ۱۱۴ و الاسراء/۳۰ و ۳۱ و ۳۱ و ۷۰ و ۱۰۰ و الکہف/۳۹ و طه/۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و الحجج/۲۸ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۶۳ و ۶۵ و المؤمنون/۱۹ و ۲۱ و ۲۲ و ۵۰ و ۷۲ و النور/۳۲ و ۳۳ و الفرقان/۱۰ و ۴۹ و الشعراء/۷ و ۷۹ و النمل/۳۶ و ۴۰ و ۶۰ و ۶۵ و القصص/۵۴ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۸۲ و العنکبوت/۱۷ و ۶۰ و ۶۲ و ۶۶ و الروم/۲۳ و ۲۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۰ و لقمان/۲۴ و السجده/۱۶ و ۲۷ و غافر/۱۵ و ۲۴ و ۳۶ و ۳۹ و فاطر/۳ و ۱۲ و ۲۷ و ۲۹ و یس/۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۷ و ۷۱ و ص/۳۷ و ۳۹ و الزمر/۶ و ۲۱ و ۴۹ و ۵۲ و غافر/۱۳ و ۶۴ و ۷۹ و فصلت/۵۰ و الشوری/۱۲ و ۱۹ و ۲۷ و ۳۶ و ۳۸ و ۴۸ و الزخرف/۱۲ و ۳۲ و الجاثیه/۵ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۱۷ و ق/۱۰ و ۱۰ و الذاریات/۲۲ و ۵۸ و النجم/۴۸ و الرحمن/۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و الواقعة/۶۶ و ۶۹ و الحديد/۷ و ۱۰ و المنافقون/۱۰ و الطلاق/۷ و الملك/۱۵ و ۲۱ و القلم/۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و المزمل/۲۰ و المدثر/۱۲ و ۱۴ و الاعلیٰ/۴ و الفجر/۱۵ و الضحیٰ/۱۱ و الشرح/۵ و ۶ و الفریق/۴
۲	آخرت گرایی و ترک دنیا پسندگی	۶۱	البقره/۶۵ و آل عمران/۱۴ و ۱۵ و ۱۵۷ و ۱۸۵ و ۱۹۷ و النساء/۴۷ و ۷۷ و ۹۴ و ۱۵۴ و المائدہ/۹۶ و الانعام/۳۲ و الاعراف/۱۶۳ و ۱۶۹ و الانفال/۶۳ و ۶۷ و التوبه/۲۴ و ۴۴ و یونس/۷ و ۲۳ و ۵۵ و ۷۰ و ۸۸ و یوسف/۵۷ و الرعد/۲۶ و ابراهیم/۳ و ۳۰ و الحجج/۸۸ و النحل/۱۰۷ و ۱۱۷ و ۱۲۴ و طه/۱۳۱ و الانبیاء/۱۱۱ و النمل/۳۶ و القصص/۵۷ و ۶۰ و ۶۱ و ۸۰ و العنکبوت/۶۶ و الروم/۷ و ۳۴ و لقمان/۲۴ و الاحزاب/۲۸ و ۲۹ و ص/۲۴ و الزمر/۸ و غافر/۳۹ و الشوری/۳۶ و الزخرف/۳۵ و محمد(ص)/۳۶ و النجم/۲۹ و الحديد/۲۰ و الطلاق/۳ و المرسلات/۴۶ و التازعات/۳۳ و ۳۸ و عبس/۳۲ و الاعلیٰ/۱۶ و الضحیٰ/۴
۳	نگرش صحیح به اموال	۴۵	البقره/۱۸۰ و آل عمران/۱۰ و ۱۱۶ و النساء/۵ و التوبه/۵۵ و ۵۵ و ۱۱۱ و هود/۱۵ و ۸۴ و الاسراء/۶ و ۱۸ و الکہف/۴۶ و القصص/۲۴ و ۷۷ و سبأ/۳۷ و ص/۳۲ و فصلت/۴۹ و الجاثیه/۱۰ و الاحقاف/۲۶ و الفتح/۲۰ و المجادله/۱۷ و القلم/۱۹ و الحاقه/۲۸ و نوح/۱۲ و الحجج/۸۴ و الشعراء/۲۰۷ و ۲۰۷ و ۵۰ و غافر/۸۲ و الشوری/۲۰ و طه/۱۲۴ و یونس/۸۸ و مریم/۷۴ و المؤمنون/۵۵ و ۵۶ و لقمان/۲۴ و الزمر/۸ و الزخرف/۳۳ و ۳۳ و ۵۳ و المدثر/۱۲ و القبل/۱۱ و ۱۸ و الفجر/۲۰ و العاديات/۸ و المرسلات/۴۶ و المسد/۲
۴	پذیرش سنت ابتلاء	۳۶	البقره/۶۵ و ۱۵۵ و آل عمران/۱۸۶ و النساء/۴۷ و ۱۵۴ و المائدہ/۴۸ و ۹۴ و الانعام/۴۲ و ۴۲ و ۵۳ و ۱۶۵ و الاعراف/۹۴ و ۱۳۰ و ۱۶۰ و ۱۶۳ و الانفال/۲۸ و التوبه/۸۵ و النحل/۱۲۴ و الکہف/۷ و طه/۱۳۱ و الانبیاء/۸۳ و ۱۱۱ و المؤمنون/۵۵ و ۵۶ و النمل/۴۰ و ص/۳۴ و ۴۴ و الزمر/۴۹ و الشوری/۳۰ و الثغابین/۱۵ و القلم/۱۷ و الفجر/۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

۱-۱-۱- باور به رزاقیت خدا و اعتماد به وعده‌های الهی

آیات فراوانی توجّه به رزاقیت خداوند را القا می‌کنند و قصد تصحیح جهان‌بینی در این زمینه را دارند که ای انسان! دائماً به یاد آور که خداوند روزی‌دهنده تو و همگان است. در سوره هود خداوند روزی همه موجودات را تضمین می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) از طرفی باید به رزاقیت الهی در رزق همسر و فرزندان اعتماد کرد: «وَكَايُنَ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (العنکبوت: ۶۰) و از ترس فقر دچار بی‌صبری و معصیت نشد. در خصوص رزق خانواده، باید به موضوع جمعیت به‌عنوان یک ثروت نگاه کرده و بحث تولیدمثل و فرزندآوری را نیز با اعتماد به وعده‌های الهی جدی گرفت. همچنین خداوند تأمین زندگی زن و شوهر را وعده داده است (النور: ۳۲) و یا از کشتن فرزند از ترس فقر (که اسقاط جنین را نیز شامل می‌شود) به خصوص در قرآن نهی شده است. (الانعام: ۱۵۱؛ الاسراء: ۳۱)

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که باور و نگاه ما را سوق می‌دهد به اینکه: هرگونه رزق و نعمت را خداوند ارزانی می‌دارد (یونس: ۵۹ و ۸۸؛ النحل: ۵۳؛ الزخرف: ۳۲)؛ مال و اموال را خداوند به انسان می‌دهد (النمل: ۳۶)؛ نعمت و رحمت از جانب خداوند است (الشوری: ۴۸؛ ص: ۳۹؛ الفجر: ۱۵) و دارایی آدمی به اراده و مشیت الهی است نه در اثر علم و هنر و امور زندگی همگی به دست خداوند است. (المدثر: ۱۲ و ۱۴)

موضوع رزق‌دهی خداوند از طریق آسمان و زمین در بسیاری از آیات قرآن اشاره شده است. در کریمه ۲۴ سوره سبأ (قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ) نگاه مخاطب را در این زمینه تثبیت می‌کند که رزق را الله می‌دهد که از واسطه‌هایش آسمان‌ها (مثل نور و حرارت و باد و ابر و باران) و زمین (مثل میوه‌ها و برکات

زمین) است. قرآن اشاره دارد به اینکه منبع اصلی و خزائن هر چیز اعم از وسایل معاش نزد خدا بوده و موجودات برای انسان مسخر شده‌اند. همچنین در قرآن به موضوع رزق‌دهی خداوند از طریق آسمان و زمین توجه شده است. فردی از امام صادق (ع) درباره بلند کردن دست‌ها به سوی آسمان هنگام دعا سوال می‌کند که امام با توجه به آیه «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» می‌فرماید خدا آسمان سمت عرش را معدن رزق قرار داده است. (ابن-بابویه: التوحید: ۲۴۸)

۱-۱-۲- آخرت‌گرایی و ترک دنیا‌بستگی

دنیا و استفاده از مادیات فی‌نفسه بد نیست بلکه ترجیح دنیا بر آخرت مذموم است (النازعات: ۳۸، الاعلی: ۱۶) و از نشانه‌های گمراهی آشکار و حتمی بوده (ابراهیم: ۳) و موجب غضب الهی است. (النحل: ۱۰۷) بنا بر آیات و روایات، باید آخرت را بر مادیات دنیا ترجیح داده و دلگرم و خشنود به متاع زودگذر دنیا نبود (یونس: ۷، القصص: ۶۰ و ۸۰، الزخرف: ۳۵) و قرآن، مومن متقی را ترجیح‌دهنده آخرت بر دنیا معرفی می‌کند. (الاعراف: ۱۶۹، یوسف: ۵۷)

آیات متعددی دنیا و مادیات و لوازم معیشت دنیا را با لفظ متاع و افعال مرتبط با آن یاد کرده است که همگی هیچ بودن و ناچیز بودن دنیا و وسایل زندگی دنیا در نظر خداوند و در برابر آخرت را می‌رساند. قرآن از زندگی دنیا به متاع العُروُر تعبیر کرده است که ناچیز و زودگذر با بهره کم می‌باشد در برابر آخرت که ماندنی است. متاع در لغت منفعت بردن از چیزی است که در آن لذتی زودگذر باشد. (ابن‌فارس: ۲۹۴/۵) همچنین در قرآن شاهدیم که دنیا و مادیات و کامیابی از آنها در برابر آخرت هیچ و حقیر بوده و اصل، آخرت است.

۱-۱-۳- نگرش صحیح به اموال

نگاه و نگرش صحیح به مال و اموال را در دو قسمت «اهمیت مال و نگاه مثبت دین به اموال» و «نگاه منفی دین به تکاثر و حب مال» قابل بررسی است. قرآن برای مال و اموال اهمیت قائل شده و اموال را موجب قوام زندگی و سرمایه موثر در جامعه می‌داند. (النساء: ۵) قوام دین انسان به اموال اوست و لذا هیچ کس حق ندارد اموال خود را تباه سازد: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ اخْتَفِظْ بِمَالِكَ فَإِنَّهُ قِوَامُ دِينِكَ ثُمَّ قَرَأَ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا (طوسی، الامالی: ۶۷۹) کلمه خیر نیز در برخی آیات قرآن به مفهوم ثروت (ابوالفتوح رازی: ۳۴۲/۲) و وسیله معیشت و اموال دنیا به کار رفته است. با مال و اموال می‌توان بهترین معامله‌ها را با خداوند داشت: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (التوبه: ۱۱۱) و در راستای ایمان و عمل صالح، وسیله رشد و تقرب به خداست. در عین حال که نگاه دین به کلیت مال و اموال و استفاده صحیح از آنها مثبت است ولی حب مال و علاقه افراطی و وابستگی به آن در لسان قرآن تقیح و مذمت شده است و در روایات نیز مال‌دوستی از عوامل نابودی و هلاک مردم شمرده شده (ورام: ۱۸۳/۱) و اینکه فرجام آدمی را تباه می‌سازد. (تمیمی آمدی: ۳۴۸) نکته مهم دیگر در نگاه قرآن این است که ثروت زیاد و رفاه مادی لزوماً نشانه سعادت (لقمان: ۲۴) یا حقانیت (الزخرف: ۵۳) و یا عزت و نیز برتری و محبوبیت نزد خدا نیست بلکه برای ظالم موجب عذاب هم می‌باشد.

۱-۲-۱- بذل سخاوتمندانه مال (واجب و مستحب)

از قواعد و ضوابط مهم در هزینه کرد اموال در کنار مخارج شخصی روزمره، بذل در راه خدا اعم از واجب و مستحب است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ» (کلینی: ۴۹۶/۳؛ فیض کاشانی: ۱۶۳/۱۰): «مردم اگر حقوق و واجبات مالی خود را ادا می‌کردند مسلماً همه از یک زندگی مطلوب و رضایتبخش برخوردار می‌شدند.» خداوند بندگان را به چیزی سخت‌تر از خرج کردن پول امتحان نکرده است (مجلسی: ۱۳۹/۷۰) و دستور پرداخت از مال و اموال به محتاجان از خویشان، ایتم، مساکین و نیازمندان (زکات مستحب) را داده و نیز فرموده است زکات مال (زکات واجب) پرداخت شود. (البقره: ۸۳ و ۱۷۷) هزینه کرد در راه خدا تحت عنوان مجاهده با اموال در قرآن کریم یاد شده و تجارت نجات‌دهنده، ایمان و مجاهده با مال و جان است و جهاد در راه خدا به‌خاطر همین که در راه خداست وقتی ارزش دارد که با عزیزترین و محبوب‌ترین محبوب‌ها بوده باشد، یعنی با مال و از مال عزیزتر با جان باشد. (طباطبایی: ۷۳/۵)

بذل مال در راه خدا در دو بخش واجب و مستحب ظهور و بروز دارد: واجبات مالی اعم از زکات، مهریه، نفقه، فدیة و کفاره، مخارج حج واجب، خمس و دیه. مستحبات مالی نیز به کرات در قرآن و روایات مطرح شده و به-عنوان جزئی لاینفک از معاش به آن نگاه شده است؛ چنانکه صفوان بن یحیی گوید: در خدمت حضرت رضا (ع) بودم که یکی از غلامانشان وارد شد. ایشان فرمودند: امروز چیزی انفاق کردی؟ گفت: نه. فرمود: «پس خداوند چگونه به ما چیزی [در عوض چیزی که ما داده باشیم] مرحمت کند؟» (کلینی: ۴۴/۴) مومن نماز گزار و نیکوکار مطابق آیات قرآن در اموالش حق معلومی برای سائل و محروم (به غیر از واجبات مالی مثل زکات) قرار می‌دهد که: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (الذاریات: ۱۹) و «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (المعارج: ۲۴ و ۲۵). همچنین در این خصوص، قرض دادن یا اطعام، از توصیه‌های موکد دین است.

البته دارا بودن روحیه سخاوت که منجر به بذل مال در راه خدا می‌شود از فرهنگ‌سازهای مهم معیشتی است. خداوند بخل ورزیدن و امر کردن دیگران به بخل را شدیداً مذمت فرموده و مورد نهی قرار داده و در عوض، سخاوتمندی را مایه فلاح و رستگاری معرفی نموده است: «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (التغابن: ۱۶؛ ن.ک. الحشر: ۹) از عبارت شُحَّ نَفْسِهِ برمی‌آید که بخل با نفس آدمی عجین است و خداوند باید کمک کند تا انسان از آن جدا شود. بخل ورزیدن گره خوردن در کارها را سبب می‌شود؛ چون بخل رها کردن فقرا در عسرت و گرفتاری است و شخص بخیل هیچ امر شری را نمی‌خواهد جز آنکه خدا آن را پیش پایش می‌گذارد. (کلینی: ۴۷/۴) در مقابل بخل، سخاوت داشتن موجب گشایش در کارها می‌شود؛ چون گره‌گشایی از کار دیگران است.

۱-۲-۲- توجه به خدا و رعایت تقوا و حلال و حرام

از فرهنگ‌سازهای معیشتی، یاد خداوند و یاد آخرت همراه با امور معاش است: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ...» (النور: ۳۷) کسب معاش و خرید و فروش نباید انسان را از یاد خداوند غافل

کند. لذا ترک تجارت ارزش نیست؛ بلکه تجارت همراه با یاد خدا و پرداخت زکات ارزش است. اگر فردی در بازار درحالیکه مردم غافل از خدا هستند، خالصانه خدا را یاد کند خداوند برای او هزار حسنه ثبت می کند و او را در روز قیامت مورد مغفرت ویژه قرار می دهد. (طبرسی: ۴۳۵/۱۰) در آیه نهم سوره منافقون خداوند صراحتاً به مومنین فرمان می دهد که اسباب معیشت و اموال نباید شما را از ذکر خدا غافل کند. قرآن طیبات و صیدی که نام خدا بر آن برده شده را حلال کرده است. (المائده: ۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام: ۲۹/۹) در سوره مطففین نیز پس از اینکه در خصوص رعایت حق مردم در کسب و کار صحبت می شود، می فرماید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ» (المطففین: ۴) منظور این است که آیا اینان نمی دانند در روز قیامت در مورد این امر از آنها حسابرسی می شود. لذا یاد معاد بایستی همراه با داد و ستد باشد که موجب جلوگیری از مفاسد اقتصادی می شود.

رعایت تقوا به عنوان اصلی مهم در اخلاق معیشت، باید بر فرهنگ معاش و کسب و مصرف حاکم باشد. (محمد: ۳۶) مسائل مالی لغزشگاه بوده و برای مصون بودن از خطا، رعایت تقوا ضروری است. تقوا پیشه کردن به عنوان مخرجاً راه خلاصی از همه نوع مشکلات از جمله اقتصادی را پیش پای آدمی می گذارد و مایه افزایش رزق است. از طرفی خداوند در آنچه به انسان متقی می دهد، برکت قرار می دهد. (حویزی: ۳۵۷/۵) «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (الاعراف: ۹۶) در صورتی که همه مردم یک جامعه ایمان و تقوا داشته باشند، برکت و گشایش در آسمان و زمین برای آنها خواهد بود.

اصل کلی این است که کسب بایستی طیب و پاک باشد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّنَّ طَيِّبَاتٍ مَّا كَسَبْتُمْ» (البقره: ۲۶۷) به فرموده امام باقر(ع) هیچ کس نیست مگر خداوند رزق حلالش را فراهم کرده و از راه سالمی به او می رساند. از سوی دیگر، به دست آوردن آن رزق از راه حرام نیز نشان داده شده و اگر به حرام دست برد، به خاطر حلالی که برایش واجب کرده، او را قصاص می کند. به غیر از این دو، نزد خداوند فضل بسیار است چنانکه خود می فرماید: «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۰/۵) در روایتی ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (المؤمنون: ۵۱) می خوانیم: «سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ؛ قَالَ الرِّزْقُ الْحَلَالُ». (مجلسی: ۵۸/۱۱؛ کوفی: ۲۷۷/۱) از مصادیق قرآنی کسب حلال، خرید و فروش، صید دریایی، کسب سود حلال و منصفانه است. همچنین تجارۀ عَنْ تَرَاوِضِ (النساء: ۲۹) از کسب باطل و حرام استثناء شده است. برخی آیات بدون ذکر مصادیق و اجمالاً انسان را از کسب حرام و مخلوط شدن حرام و حلال نهی کرده و کسب حرام را شریک شدن شیطان در اموال می داند. اصطلاح اکل سُحْتِ نیز به معنای کلی حرام خواری، از منهیات شدید خداوند است و در این زمینه به فرموده امام صادق(ع) استفاده از مال حرام با مصادیق مختلف اعم از غذای حرام و رشوه خواری ممنوع است. (کلینی: ۱۲۶/۵) در آیات دیگر نیز مصادیقی از حرام مثل ربا، کم فروشی، اکل مال یتیم، اشتراء لهو الحدیث، اجبار در بخشش مهر و ادلاء (رشوه) مال به حاکم به کار رفته است.

۱-۲-۳- دوری از اسراف، تَبذیر و تجمّل و زراندوزی

در آیات قرآنی، اسراف به عنوان فعلی ممنوع و حرام معرفی شده و تَبذیر به معنای ریخت و پاش مسرفانه از مال و اموال در زندگی نهی شده است. تَبذیر (هدردادن نعمت‌ها) و اسراف به عنوان عملی شیطانی و خصیصه‌ای فرعون‌ی موجب هلاکت و جهنمی شدن است. با توجه به آیه ۲۰ سوره یوسف چیزی که به راحتی به دست آید و کسب شود، دارنده‌اش قدرش را نمی‌داند. با عنایت به آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعراء، اسراف فساد است و به اسراف‌کار امید اصلاح نمی‌رود مگر در سایه دین بیاید. به فرموده امام باقر(ع) اسراف، هزینه کرد در معصیت و در غیر مورد آن است. (قمی: ۱۱۶/۲) هر مالی که در راه حق هزینه نشود مایه حسرت انسان می‌شود.

از نمونه‌های هدر دادن مال، اتراف و تجمّل‌گرایی است. اتراف در زمین به معنی تنعم، کامجویی، عیاشی و خوشگذرانی صرف، کار ظالمین و مجرمین است (هود: ۱۱۶) زندگی پرنواز و نعمت همراه با غفلت و مسکن‌های پرزرق و برق می‌تواند زمینه‌ساز هلاکت و عذاب باشند. همچنین اتراف، موجب اعراض و کفر در برابر حق خواهد بود. مُتَرَف مرفّه بی‌دردی است که نتیجه اتراف او، انکار و کفر و قرار گرفتن در صف اوّل دشمنان پیامبران ذکر شده است. عیاشی مترفین و مرفّهان بی‌درد جامعه را به نابودی کشانده و وجود آنها در جامعه زمینه‌ساز قهر الهی است.

پول و تولید و امکانات باید در مسیر نیاز واقعی باشند و نه بیهوده و به‌خاطر تجملات. لذا می‌بینیم که قرآن از روحیه کاخ‌نشینی و عیاشی انتقاد می‌کند و ساده‌زیستی را امری نیکو و لازم برمی‌شمارد. اقتصاد و رفاه به عنوان اسباب زندگی، باید همراه تقوا باشد و گرنه زمینه فساد خواهد بود؛ چنانکه در آیه «وَتَنجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ» (الشعراء: ۱۴۹) اگر از کلمه فَارِهِين شادی و عیش و نوش بدون تقوا برداشت شود (قمی: ۱۲۳/۲) نشان از روحیه تجمّل‌گرایی و رفاه‌طلبی دارد.

از قواعد و ضوابط قرآنی فرهنگ‌آفرین مصرف بدون فساد و تجاوز است که خرج کردن در مقاصد فاسد و امور پست دنیوی، مایه هلاکت مال است. با توجه به آیه ۲۰۵ سوره بقره از نمونه‌های فساد در زمین، هلاکت نیروی انسانی و خراب کردن زراعت است که فسادآور می‌باشد. (عیاشی: ۱۰۰/۱) ثروت و سرمایه و ساختمان نباید به عبث و برای ارضای هوی و هوس استفاده شود. لذا استفاده از امکانات باید در مسیر نیاز واقعی باشد و نه بیهوده و از روی تفتّن و رفاه‌طلبی صرف که قرآن کریم از روحیه کاخ‌نشینی و عیاشی انتقاد می‌کند.

خداوند برای زراندوزی و عدم خرج کردن در راهش، وعده عذاب الیم داده است. آیه ۳۴ سوره توبه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از احبار [یهود] و راهبان [نصرانی]، اموال مردم را به باطل [و ناروا] می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه [و ذخیره و پنهان] می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!» نوع انسان‌ها علاقه به جمع‌آوری و پس‌انداز پول دارند که این خصوصیت اهل جهنّم است.

۱-۲-۴- سعی و ابتغاء من فضل الله

موضوع سعی و تلاش آدمی جهت امرار معاش و در راستای کسب از موکدات دین است. برای معاش و کسب روزی، باید در اطراف و حوالی زمین راه رفته و سعی و تلاش کرد تا از زمین به عنوان منبع ارزاق استفاده نمود. لذا مسافرت برای کسب درآمد نیز مورد پذیرش اسلام است. خداوند آبادانی زمین را به مردم سپرده است که عمران و آبادی بدون کار و تلاش محقق نمی‌شود: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود: ۶۱) آیه ۲۰ سوره حجر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ» که اشاره دارد به این موضوع که خداوند وسایل معیشت انسان را در زمین قرار داده و این انسان است که وظیفه دارد با سعی و عمران و آبادانی و استفاده از ابزاری که در اختیارش قرار گرفته به امرار معاش بپردازد. انبیا و اولیای الهی نیز همگی با کار و سعی و تلاش کسب درآمد داشتند. حضرت موسی (ع) با چوپانی و حضرت داوود (ع) با زره‌بافی امرار معاش می‌کردند. حتی خداوند به حضرت داوود (ع) وحی فرمود اگر از بیت‌المال نخوری و با دستانت خود کار کنی تو بنده خوبی هستی. پس از آن در هر روز زره‌ای می‌ساخت و آن را به هزار درهم می‌فروخت و خود را از بیت‌المال بی‌نیاز کرد. (کلینی: ۷۴/۵) در اصطلاح «ابتغاء من فضل الله» هم طلب و حرکت آدمی نهفته است و هم اشاره به فضل الهی دارد که آدمی با این نگاه، اولاً امکانات زندگی را از لطف و فضل خدا می‌داند نه استحقاق خودش هرچند با تلاش به دست آورده باشد و ثانیاً نتیجه تلاش خود را از جانب خداوند و فضل بیکران او می‌بیند و لذا کم یا زیاد بودن مطلوب او را به یأس یا غرور و طغیان نمی‌کشاند.

۱-۲-۵- شکرگزاری اقتصادی و عدم کفران نعمت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ» (البقره: ۱۷۲) خداوند دستور به شکرگزاری نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده، داده است. در برابر رزاقیت خداوند و در قبال استفاده از وسایل معیشت و محصولات و رزق الهی، باید شاکر بود که با توجه به آیه «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» (النحل: ۱۱۴) شکر نعمت بعد از استفاده از نعمت‌ها واجب است. اصولاً فرهنگ شکر خدا بعد از استفاده از رزق و روزی بایستی در انسان نهادینه شود.

در مقوله شکر بابت مسائل اقتصادی غیر از شکر لسانی، شکر عملی نیز در تربیت قرآنی قابل توجه است. هنگامی که خداوند بر بنده خود نعمتی ارزانی کند، باید اثر نعمت در او دیده شود (شریف‌الرضی: ۴۵۹/۱) که همین موضوع نوعی شکر عملی آن نعمت است. (الضحی: ۱۱) از مصادیق شکر عملی ثروت، راکد نگه نداشتن سرمایه و انفاق کردن در راه خداست. (التوبه: ۳۴ و ۳۵) قربانی کردن و عطا کردن به مردم نیز یکی از راه‌های شکر عملی خداوند در زمینه ثروت و دارایی است؛ چون با این کار، محرومان هم از این موضوع بهره‌مند می‌شوند. (الکوثر: ۱ و ۲) طبق کریمه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷) از ضوابط مؤثر بر فرهنگ معیشت، توجه به فزونی نعمت در اثر شکرگزاری و عذاب در اثر کفران نعمت است. اساساً

کفران نعمت، ظلم و ستم به خویشان است (البقره: ۵۷) و موجب از بین رفتن نعمت و هدررفت منابع شده و پایان شومی به دنبال دارد.

۱-۲-۶- تعامل صحیح اقتصادی با دیگران

وفای به عهد اقتصادی از جمله وفای به قراردادهای در فرهنگ داد و ستد، اصلی قرآنی و مهم است؛ چنانکه سوره مائده با همین دستور آغاز می‌شود و یا در آیه ۳۴ سوره اسراء می‌خوانیم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». در امور اقتصادی خواه طرف پیمان مسلمان باشد خواه کافر باید به عهد خود وفا کرد بلکه وفای به عهد در دادوستدها از شرایط تقواست.

خیانت در امانات نیز جزو محرمات است. در صورت قرض گرفتن نباید به آن خیانت کرد و بایستی امانت را به وقتش به صاحبش برگرداند. چنانکه پیامبر(ص) به ابن مسعود فرمودند: «به هیچ کس در مالی که در پیش تو می‌گذارد یا در امانتی که تو را بر آن امین قرار داده خیانت نکن زیرا که خدای متعال می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (مجلسی: ۱۰۷/۷۴) در نظارت بر مصرف مراعات اموال و حفظ آنها از گزند آسیب‌ها لازم است و اصولاً حفاظت از اموال کاری عاقلانه است که از آیات قرآن نیز برداشت می‌شود. (النساء: ۳۴)

از دیگر اخلاق کسب و کار، وفای کیل و میزان و ترازوی عادلانه (الانعام: ۱۵۲)، کتابت مسایل مالی یا گرو گذاشتن و شاهد گرفتن هنگام خرید و فروش (البقره: ۲۸۲ و ۲۸۳) و پرداخت سریع پاداش و اجرت است. قرآن به طلبکار می‌فرماید که به بدهکار تنگدست مهلت دهد و به او فشار نیاورد که خداوند مهلت دادن به مقروض تنگدست را دوست دارد (البقره: ۲۸۰) و چنانکه بدهکار آن مال را در راه معصیت خداوند صرف کرده است دیگر مهلت دادن به او تا آنکه پس دادن قرض برایش آسان شود بر عهده طلبکار نیست و آن بدهکار مشمول این آیه که خداوند فرمود فَنظِرَةٌ لِي مَيِّسْرَةٌ نَمِي بَاشَد. (نوری: ۴۱۲/۱۳) برای طلبکار خصوصاً اگر ثروتمند باشد بهتر است از مالش به بدهکار تهیدست ببخشد. (کلینی: ۳۵/۴، قمی: ۹۴/۱)

۱-۲-۷- زهد و دوری از حرص و طمع و توجه نداشتن به اموال طبقات فرادست

زهد لازمه اخلاق صحیح معیشتی است. در دیدگاه کافر ارزش به زینت و زیور دنیاست ولی در دیدگاه انسان متقی ارزش به سعادت اخروی است (الزخرف: ۳۵) که لازمه آن زهد می‌باشد. (مجلسی: ۹۴/۷۴) در دین علاقه افراطی به ثروت تقبیح شده و نتیجه عشق و وابستگی به مال این است که انسان به هر نوع کسب و درآمدی دست می‌زند و حقوق واجب مالی خود را پرداخت نمی‌کند. (العادیات: ۸) به فرمایش امام سجّاد(ع) معنای زهد در آیه ۲۳ سوره حدید آمده که برای آنچه از دست داده‌اید تأسّف نخورید و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید. (کلینی: ۱۲۸/۲)

با توجه به آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (المعارج: ۱۹) نوع انسان‌ها هلوع به معنای حریص خلق شده‌اند (قمی: ۳۸۶/۲) که بایستی با این خلق‌وخو در معاش مقابله کرد. خداوند حرص بر زندگی این دنیا و مال و ثروت را مذمّت می‌کند. در داستان باغداران در آیات ۱۸ تا ۲۹ سوره قلم نیز حرص مال و ثروت بیشتر موجب شده بود که

باغداران در چیدن محصول نخواهند ذره‌ای را به مستمندان دهند که البته سبب زیادی سرمایه‌شان نشد بلکه جزای آن حرص و بخل سوختن باغشان بود. در مثالی دیگر در آیات ۱۲ تا ۱۵ سوره مدثر در خصوص ولیدبن مغیره (قمی: ۳۹۳/۲) می‌فرماید برایش مال گسترده و فرزندان فراوان قرار دادم و وسایل زندگی را از هر نظر برایش فراهم ساختم ولی باز طمع دارد که به آن بیفزایم. لذا به بی‌دین هرچه مال و ثروت داده شود، باز هم طمع زیادتیر از آن دارد که خداوند این موضوع را مذمت می‌فرماید.

در فرهنگ صحیح معاش به هیچ وجه نباید تحت تأثیر مادیات و شکوه ثروتمندان قرار گرفت: لَا يُغْنِيكَ تَقَلُّبُ الدِّينِ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (آل عمران: ۱۹۶) چنانکه در سوره توبه در آیات ۵۵ و ۸۵ می‌فرماید: «لَا تُغْنِيكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» اموال زیاد فاسقان و منافقان تو را شگفت زده نکند؛ چرا که وضع خوب معیشت آنها زمینه عذابشان در زندگی دنیاست و وابستگی‌شان به اموال، جان کندن آنها را سخت می‌کند. لذا همیشه در مادیات باید به طبقات فرودست نگاه کرد و هیچگاه نباید به طبقات فرادست توجه داشت. بنابراین در تربیت قرآنی، نباید اموال کمتر ما در برابر ثروتمندان برایمان اهمیت داشته باشد و به اموال ثروتمندان حسرت بریم که آرزوی قارون شدن، آرزوی دنیاپرستان کم‌خرد است.

۱-۲-۸- رعایت اعتدال و میانه‌روی

از اصول مهم دیگر در معاش چه در کسب و چه در مصرف رعایت اعتدال و میانه‌روی است. قرآن آن بخشی از امت اسلام که در تمام شئون از جمله امر معیشت میانه‌رو و معتدل می‌باشند را با صفت مُقْتَصِدَةً مدح کرده است. در هزینه کرد زندگی، باید از افراط و تفریط پرهیز کرده و راه اعتدال را پیش گرفت: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (الفرقان: ۶۷) به فرموده امام باقر(ع) اسراف یعنی انفاق کردن در معصیت و در غیر مورد آن؛ و لَمْ يَقْتُرُوا، یعنی در دادن حق خدا بخل نورزیدند و در كَانِ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا، قوام به معنی عدل است و انفاق کردن در آنچه خدا به آن امر فرموده است. (قمی: ۱۱۶/۲) اسراف و اقتار هر دو مذموم است و اعتدال در خرج کردن صحیح است. در هزینه کردهای زندگی بایستی اعتدال و حد وسط و میانه (نه اقتار و نه اسراف) رعایت شود: قَالَ الصَّادِقُ الْعَفْوُ الْوَسْطُ (کلینی: ۵۲/۴)؛ و عنه الْعَفْوُ لَا إِقْتَارَ وَلَا إِسْرَافَ (قمی: ۷۰/۱)؛ قَالَ الرِّضَا وَكَيْفَ نَفَقَتِكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ قَصْدًا فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ (مجلسی: ۷۲/۱۰۱) چنانکه از کلمه الْعَفْوُ در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ» (البقره: ۲۱۹) برمی‌آید.

۱-۲-۹- صبر اقتصادی

به عنوان اصلی ضروری و عاملی مهم در تربیت معیشتی، باید در برابر سختی‌ها و مصائب از جمله فقر و تنگدستی و مشکلات معیشتی صبر پیشه کرد. طبق آموزه‌های قرآنی، باید بر رزق و روزی خویش ولو کم صبور باشیم: «وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بَشِيءٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (البقره: ۱۵۵) لذا باید به وعده الهی مبنی بر گشایش پس از صبر بر مصائب اعتماد کرد که صبوری، برکت به ارمغان می‌آورد. نمونه

قرآنی در موضوع صبر، حضرت ایوب (ع) است که گرفتاری‌ها و سختی‌های ایشان اعم از فقر به‌عنوان درسی برای بشریت به جهت امتحان ایشان و صبر و تضرع به درگاه الهی بود.

۱-۲-۱۰- قناعت، رضایتمندی و تعفف (خویشتن‌داری اقتصادی)

قناعت در لغت به معنای بسنده کردن به مقدار کم از کالای مورد نیاز و رضایت به چیزی است که نصیب شخص می‌شود. (طریحی: ۳۸۴/۴) در علم اخلاق قناعت در مقابل حرص استعمال می‌شود. صفت قناعت موجب می‌شود که شخص به مقدار نیاز و ضرورت بسنده کند و زاید بر آن را نطلبد. (نراقی: ۱۰۵/۲) بنابراین قانع کسی است که به مقدار مورد نیاز بسنده می‌کند و به سهم خویش راضی است. از نمونه‌های قرآنی در زمینه رضایتمندی اقتصادی می‌توان به تقسیم اموال توسط رسول‌الله (ص) اشاره داشت که مسلمین بایستی بدان راضی می‌بودند. (الانفال: ۵؛ التوبه: ۵۸-۵۹)

تعفف در کسب مال و گدایی نکردن نیز از فرهنگ صحیح معاش است. از طرفی کمک مالی به فقرای عفاف-پیشه توصیه شده است تا شأن آنها حفظ شود. (البقره: ۲۷۳) همچنین در سیره اولیای خدا نیز تعفف اقتصادی دیده می‌شود و اینکه خویشتن و آبرو و ایمان خود را با مادیات معامله نمی‌کنند. به مناسبت این موضوع، در آیه «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (الحج: ۳۶) قانع به معنی فقیری است که به هر چه به او دهند قناعت می‌کند، چه سوال بکند چه سوال نکنند؛ اما معتتر فقیر نیازمندی است که حرفی به زبان نمی‌آورد ولی برای سوال نزد ما آمده باشد. (کلینی: ۵۰۰/۴؛ ابن بابویه، معانی الاخبار: ۲۰۸/۱؛ بحرانی: ۸۸۴/۳) مقدم داشتن قانع بر معتتر شاید بدین خاطر باشد که معتتر چون بدون پروا گدایی می‌کند و حتی گاهی بیش از حد نیاز مطالبه می‌کند، گرسنه نمی‌ماند؛ ولی قانع به خاطر آبرومندی و خویشنداری از کسی درخواست نمی‌کند و نیاز خویش را اظهار نمی‌دارد. لذا انسان باید به هر دو دسته و در مرحله اول به قانع رسیدگی کند.

۱-۲-۱۱- فخرفروشی نکردن

از رفتارهای ناصحیح در مصرف، فخرفروشی است که در قرآن به‌عنوان صفتی مذموم یاد شده و ممنوع و حرام اعلام شده است؛ چنانکه می‌فرماید: «وَكَانَ لَهُ تَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا» (الکهف: ۳۴) و در ماجرای قارون نیز مشاهده می‌شود که ثروت در دست انسان‌های غافل سبب فخرفروشی و خودنمایی بوده و همچنین با تفاخر در بین مردم حرکت کردن، مذموم است. در تعریفی که قرآن از الْحَيَاةِ الدُّنْيَا بیان می‌دارد یکی از مراحل، تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ است که زندگی دنیا را دارای مرحله تفاخر و فخرفروشی به دیگران معرفی می‌فرماید. خداوند اعلام می‌نماید که انسان دارای این صفت را دوست نمی‌دارد.

۱-۲-۱۲- رعایت زمان‌بندی

خداوند روز را جهت طلب روزی و کسب و کار قرار داده است: «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (النبا: ۱۱) در آیه نهم سوره جمعه خطاب به مومنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ

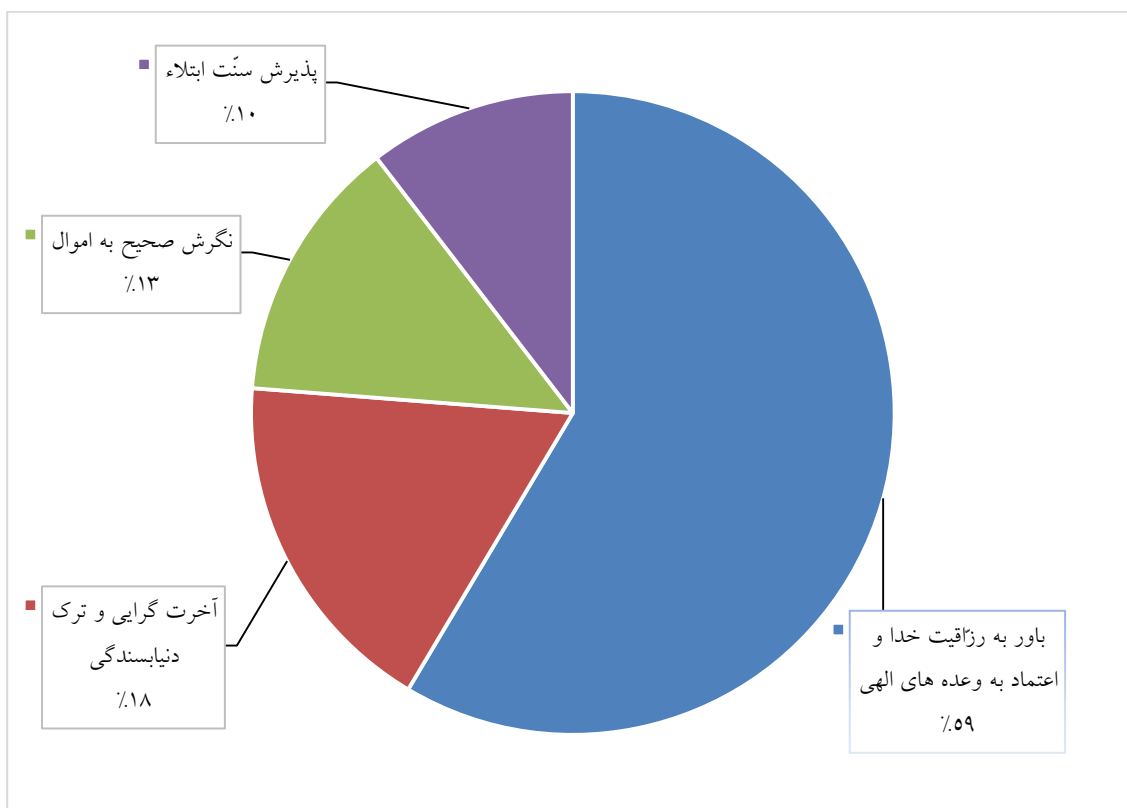
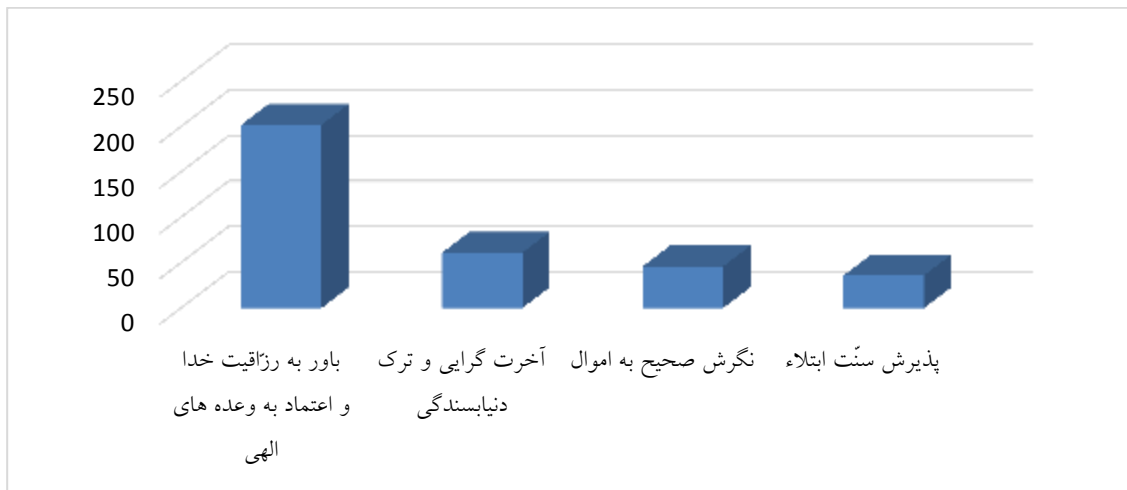
وَذَرُوا الْبَيْعَ» لذا در زمان‌هایی هم باید کسب و کار را رها کرده و مشغول عبادت شد. البته اعتدال به عنوان اصلی کلی بر این موضوع حاکم است و با توجه به آیه بعدی نیازی نیست زمان تعطیلی کسب و کار و تجارت به خاطر عبادت طولانی شود. در مجموع تعطیلی کامل بازار مسلمین و رها کردن کار پسندیده نیست. البته در اسلام این زمان‌بندی‌ها در حیطه مستحب و مکروه نمود دارند. چنانکه کسب و کار در روز عاشورا مکروه اعلام شده است (ابن بابویه، عیون أخبار الرضا: ۲۹۹/۱) و در مقابل به عنوان نمونه کسب روزی در بامدادان توصیه و موجب افزایش رزق دانسته شده است. (همو، الخصال: ۵۰۴/۲)

۱-۲-۱۳- اظهار صحیح نعمت

هنگامی که خداوند بر بنده خود نعمتی ارزانی کند و آثار و نشانه‌های آن نعمت در او آشکار شود، چنین بنده‌ای محبوب خدا و بازگوکننده نعمت‌هایش است ولی اگر خداوند بر بنده‌اش نعمتی ارزانی کند و آثار و نشانه‌های آن نعمت در وی آشکار نشود چنین بنده‌ای دشمن خدا و انکارکننده نعمت‌هایش می‌باشد. (کلینی: ۴۳۸/۶) چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (الضحی: ۱۱) فرد دُو سَعَهُ که امکانات وسیعی دارد باید به تناسب توان مالی هزینه کند و توصیه شده هرچه درآمد انسان زیادتر می‌شود متناسب با آن بر خانواده‌اش توسعه دهد که مردی از امام صادق (ع) سؤال کرد: «ای پسر رسول خدا! آیا این از اسراف محسوب می‌شود که شخصی لباس‌های زیادی بگیرد و با آنها زینت کند و بعضی از آنها را به کمک برخی دیگر از لگه‌دارشدن حفظ کند [و دائماً لباس‌هایش را عوض کند]؟». فرمود: «نه؛ این از اسراف محسوب نمی‌شود؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «لِيُنْفِقَ دُو سَعَهُ مِنْ سَعَتِهِ» (نوری: ۲۴۴/۳) لذا توسعه مادی همراه با هدف مقدس الهی، با مقام قرب الهی منافاتی ندارد.

نتیجه‌گیری

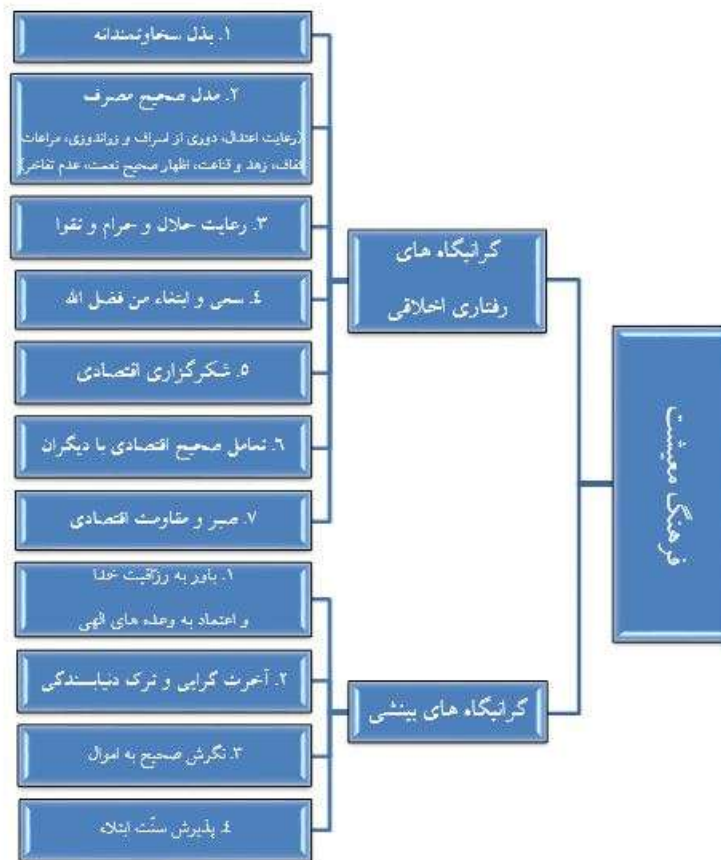
- مبانی قرآنی و دلالت‌های بینشی در حوزه فرهنگ معیشت عبارتند از: باور به رزاقیت و مالکیت خداوند و اعتماد به وعده‌های الهی، آخرت‌گرایی و ترک دنیا‌بستگی، نگرش صحیح به اموال (اهمیت مال و نگاه مثبت دین به اموال و نگاه منفی دین به تکاثر و حب مال) و پذیرش سنت ابتلاء. نمودارهای وزن-دهی شده دلالت‌های بینشی در حوزه معیشت به صورت زیر قابل مشاهده است:



- فهم صحیح قرآنی در حوزه فرهنگ معیشت نیازمند اشاره به دلالت های رفتاری اخلاقی نیز می باشد که رفتارها و خلقیات معیشتی صحیح و برگرفته از قرآن تحت عناوین سیزده گانه زیر هستند: (۱) بذل سخاوتمندانه مال، (۲) توجه به خدا و رعایت تقوا و حلال و حرام، (۳) دوری از اسراف و تجمل و زراندوزی، (۴) سعی، (۵) شکرگزاری اقتصادی، (۶) تعامل صحیح اقتصادی، (۷) زهد و دوری از

حرص و طمع، (۸) رعایت اعتدال، (۹) صبر اقتصادی، (۱۰) قناعت، رضایتمندی و تعفف، (۱۱) فخرفروشی نکردن، (۱۲) رعایت زمان بندی و (۱۳) اظهار صحیح نعمت.

- در مجموع ساختار هندسی مولفه های معیشتی را می توان در نمودار زیر خلاصه کرده و درخت وارده آن را ترسیم نمود:





منابع

۱. قرآن کریم؛ ۱۳۷۶ ش، ترجمه مکارم شیرازی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸ ق، التوحید (للصدوق)، تحقیق هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین
۳. _____، ۱۳۶۲ ش، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین
۴. _____، ۱۳۷۸ ق، عیون أخبار الرضا، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان
۵. _____، ۱۳۶۱ ش، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه
۶. ابن فارس، أحمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، تصحیح عبدالسلام هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی
۸. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی
۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم: نشر اسماعیلیان

۱۱. شريف الرضى، محمد بن حسين، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغه، تصحيح صبحى صالح، نشر هجرت، قم
۱۲. طبرسى، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تصحيح يزدى طباطبايى و رسولى، تهران: نشر ناصر خسرو
۱۳. طباطبايى، محمد حسين، ۱۳۷۴ ش، الميزان فى تفسير القرآن، ترجمه محمدباقر موسى، قم: جامعه مدرسین حوزه علميه
۱۴. طريحي، فخرالدين بن محمد، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرين، تصحيح احمد حسینی اشكوری، تهران: مرتضوى
۱۵. طوسى، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، الأمالى (للطوسى)، تصحيح مؤسسه البعثه، قم: دارالثقافه
۱۶. _____، ۱۴۰۷ ق، تهذيب الاحكام، تحقيق و تصحيح حسن خراسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه
۱۷. عياشى، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، تفسير العياشى، تحقيق هاشم رسولى، تهران: مكتبة العلميه الاسلاميه
۱۸. فيض كاشانى، محمد، ۱۴۰۶ ق، الوافى، تصحيح كمال فقيه ايمانى، اصفهان: مكتبة الإمام أميرالمؤمنين على (ع)
۱۹. قمى، على بن ابراهيم، ۱۳۶۳ ش، تفسير القمى، قم: دارالكتاب
۲۰. كلينى، محمد بن يعقوب، ۱۴۰۷ ق، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دارالكتب الإسلاميه
۲۱. كوفى، فرات بن ابراهيم، ۱۴۱۰ ق، تفسير فرات الكوفى، تصحيح محمد كاظم، تهران: وزارة الثقافه و الإرشاد الإسلامى
۲۲. مجلسى، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت: دار إحياء التراث العربى
۲۳. نراقى، محمد مهدى، ۱۳۱۲ ش، جامع السعادات، بيروت: اعلمى
۲۴. نورى، حسين بن محمد تقى، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت
۲۵. ورام بن أبى فراس، ۱۴۱۰ ق، مسعود بن عيسى، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم: مكتبه فقيه